

گناهِ بختِ من است این گناهِ دریا نیست

(بررسی قطعه‌ای منسوب به فردوسی)*

جواد بشری

تقدیم به استاد فقید، محمد امین ریاحی

چون فردوسی عازم شد که از غزنی بیرون رود، به مسجد جامع در شد و به موضعی خجسته که سلطان می‌نشست این دو بیت بر دیوار بنیشت^۱:

خجسته درگه محمود زاولی دریاست چگونه دریا کان را کرانه پیدا نیست
چه غوطه‌ها که زدم و اندرو ندیدم دُر گناهِ بختِ من است این گناهِ دریا نیست
(از مقدمه بایسنغری، به نقل ریاحی ۲، ص ۳۴۵)

شرح این ماجرا به این صورت در منابع مکتوب نخستین بار در مقدمه بایسنغری (نیمه اول قرن نهم هجری) آمده و گویا تا کنون در منبع کهنه‌تری دیده نشده است (همان،

* از دکتر محمود امیدسالار که، با لطف بی‌دریغ خود، به‌دقت این نوشته را ملاحظه فرمودند و سخاوتمندانه نظر صائب خود را - که معیار و محکی در عرصه تحقیق و مرجع‌شناسی است - برایم نوشتند تشکر می‌کنم. تقریباً تمام رهنمودهای ایشان را لحاظ کردم. همچنین از آقایان نادر مطلبی کاشانی برای تذکر درباره چند منبع و لطفی در حوزه کار با رایانه، بهروز ایمانی و سیدعلی میرافضلی برای دریافت منبعی کمیاب (عرفات)، و ارحام مرادی برای خبر دادن از مقاله‌ای مفید در این تحقیق سپاسگزارم.
(۱) در چاپ ریاحی: «بنیشت»، که ظاهراً غلط مطبعی است.

ص ۳۰۷؛ نیز ← خوفی، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ نفیسی ۱، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۴). اما اشعاری که در این حکایت از فردوسی نقل شد، چنانکه استاد ریاحی بدان اشاره کرده‌اند، در مآخذ کهنه‌تر از قرن نهم هم دیده می‌شود.^۲

نخستین کسی که از انتساب این ابیات به فردوسی سخن گفت عباس اقبال بود (← اقبال، ص ۴۸۰). وی به شعر نظام‌الدین محمود قمر اصفهانی که قطعه مذکور را تضمین کرده اشاره دارد. اقبال عکس نسخه دیوان قمر را، که در مجموعه شش دیوان مورخ ۷۱۳-۷۱۴ هجری باقی مانده و در کتابخانه ایندیا آفیس (دیوان هند) نگهداری می‌شود و مرحوم قزوینی آن را تهیه کرده و به ایران فرستاده بود، در اختیار داشت. (← قزوینی ۲، ج ۳، ص ۸۰۵؛ انوار، ج ۲، ص ۲۸۰؛ دانش پژوه ۳، ص ۶۳۱)

پس از اقبال، تقی بینش، بدون توجه به یادداشت اقبال، در چاپی که از دیوان قمر اصفهانی عرضه کرد^۳، به منسوب بودن این شعر به فردوسی اشاره و مآخذ خود را در این باره مجمع الفصحای هدایت اعلام کرد. (← دیوان قمر اصفهانی، ص ۳۸۱)

اما کامل‌ترین و دقیق‌ترین بررسی درباره این حکایت و این شعر از محمدامین ریاحی است که در سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی درج شده است. (← ریاحی ۲، ص ۲۵۹-۲۶۱)
اطلاعاتی که ریاحی به دست داده به شرح زیر است:

- کهن‌ترین منبعی که حکایت نوشتن این شعر بر دیوار جامع غزنی را آورده مقدمه بایسنغری است.

- بیت دوم (با اختلاف اندکی در ضبط) در دیوان نظام‌الدین محمود قمر اصفهانی به عنصری منسوب شده (با ذکر فضل تقدم عباس اقبال در این کشف).

- سالیانی بعد، ملک رضی‌الدین بابا قزوینی، در قصیده‌ای در مدح شمس‌الدین

۲) ایشان نوشته‌اند: «گویا خود آن قطعه در قرن ششم به نام فردوسی شناخته می‌شده است» (ریاحی ۲، ص ۳۰۷). این استنباط با توجه به منسوب بودن قطعه به شمس طبری است که، چنانچه خواهد آمد، در محل تأمل است.

۳) تقی بینش این دیوان را براساس همان نسخه مورخ ۷۱۳-۷۱۴ هجری و نسخه قرن یازدهمی کتابخانه آستان قدس تصحیح کرده است. ظاهراً نسخه دیگری از این دیوان باقی نمانده است. بینش، با آنکه، در مقدمه، به تاریخ نسخه ایندیا آفیس چند بار اشاره کرده، در پیشگفتار دو صفحه‌ای آغاز کتاب (ص ۴) به اشتباه تاریخ کتابت آن را ۶۱۳ و ۶۱۴ هجری دانسته است.

صاحب‌دیوان جوینی، این دو بیت را به روایت شاعری موسوم به شمس جاسبی (حاسبی) به فردوسی نسبت داده است. رضی‌الدین بابا ماجرا را از زبان جاسبی چنین آورده:

سه بیت می‌کنم از شعرِ جاسبی تضمین	درین قصیده چو به زان سه بیت غزا نیست
به خواب دیدم یک شب روانِ فردوسی	که گفت شمس ترا این حدیث تنها نیست
برین نمط که تویی من بدم بر محمود	دو بیت گفتم بر خاطرت همانا نیست
خجسته درگه محمودِ زاوُلی دریاست	چگونه دریا کان را کرانه پیدا نیست
شدم به دریا غوطه زدم ندیدم دُر	گناهِ بختِ من است آن گناه دریا نیست

— ملک رضی‌الدین بابا، همان کسی است که در تاریخ گزیده ذکرش آمده و، در آنجا، از معاصرانِ شمس‌الدین صاحب‌دیوان خوانده شده است.

— شمس‌الدین جاسبی (که، اگر این نسبت را بپذیریم، باید اهل «جاسب» از دهات قم باشد) شاعری است که ذکری از او در جایی دیگر نیافته‌اند. این احتمال را هم داده‌اند که نامش شمس‌الدین جاسبی (با حاءِ حطّی) باشد.

— به نظر ریاحی، مستند به آثارالوزرای عقیلی چاپ محدّث ارموی، این شعر، به احتمال قوی، از شمس طبسی، شاعر بسیار معروف قرن ششم و هفتم است.

با توجه به آرائی که ذکرشان رفت، درباره‌ی سراینده‌ی این شعر دو احتمال وجود دارد: یکی آنکه شعر از عنصری باشد (به روایت دیوان نظام‌الدین محمود قمر اصفهانی)؛ دیگر آنکه از فردوسی باشد (به روایت رضی‌الدین بابا قزوینی، به نقل از شمس‌الدین جاسبی یا شمس طبسی)

درباره‌ی احتمال اول، جز آنچه می‌دانیم اطلاعاتی تازه‌تر نیافتیم و آنچه پس از این خواهید خواند مربوط به احتمال دوم است، یعنی نسبت دادن شعر به فردوسی و بررسی سلسله‌ی این استناد به او از طریق شناسائی اعلام مذکور در آن و اینکه آیا شمس‌الدین جاسبی / حاسبی راوی اصلی است یا شمس طبسی.

در این میان، به شناسائی دقیق‌تر رضی‌الدین بابا قزوینی و شمس جاسبی (جاستی) نیز پرداخته و بحثی درباره‌ی نام درست شخص اخیر عرضه خواهد شد.

بررسی شعر رضی‌الدین بابا قزوینی^۴

چنان‌که گذشت، شعر ملک رضی‌الدین بابا قزوینی، که در آن به شعر فردوسی (از طریق شمس جاسبی) اشاره شده است، در مونس الاحرار محمد بن بدر جاجرمی (ج ۲، ص ۷۶۱-۷۶۴) آمده است. با توجه به اینکه، در مندرجات این جنگ ارزشمند قرن هشتمی، نکات ظریف بسیاری وجود دارد و از متن چاپی هم که از آن در دست است بدون در نظر گرفتن آن نکات به شایستگی نمی‌توان بهره جست، ناگزیر باید به برخی از

(۴) درباره او که به سال ۶۷۶ هجری به قتل رسید ← تاریخ گزیده، چاپ نوایی، ص ۷۳۳ و ۸۰۰ که گران‌بهارترین اطلاعات درباره او و خاندان افتخاریان قزوین در آن آمده است؛ خسرو بن عابد بن معین ابرکوهی، فردوس التواریخ، نسخه لنینگراد، عکس متعلق به مرکز احیاء میراث اسلامی در قم، ص ۱۰۴۰؛ کمال‌الدین ابی‌الفضل عبدالرزاق بن الفوطی البغدادی، الحوادث الجامعة و السجارب النافعة فی المائة السابعة، دارالفکر الحدیث، بیروت ۱۴۰۷: ص ۱۷۰ (سنه ۶۶۳)، ص ۱۷۴ (سنه ۶۶۶)، ص ۱۷۶-۱۷۷ (سنه ۶۶۸)، و ص ۱۹۱ (سنه ۶۷۶)؛ الحوادث الجامعة، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۱، ص ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۹ و ۲۳۸؛ مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، ج ۲، ص ۵۰۶-۵۰۸ و ۷۶۱-۷۶۴؛ جُستگ اسکندر میرزا تیموری، برگ ۱۶۳ الف و ب نسخه عکسی به شماره ۶۰۸۲ دانشگاه تهران که هفت بیت از همان قصیده مونس الاحرار، ج ۲، ص ۵۰۸-۵۰۶ در آن آمده است؛ جنگ ۴۴ سنا، ص ۲۲۷-۲۳۰ (همان قصیده به‌تمامی با یک بیت کمتر)؛ جنگ ۶۵۱ سنا، ص ۴۲۱-۴۲۰ که کتابت آن بسیار جدید است اما یقیناً از روی جنگ بسیار کهنه‌ای سوادبرداری شده و، در آن، ابیات تازه‌ای بر یکی از قصاید نیمه‌تمام رضی‌الدین افزوده شده است. همچنین غزلی با تخلص «رضی» در این سند آمده که جای دیگری دیده نشده است، به مطلع تو اگر دلم بسوزی و دواى جان نسازى / من و عاشقى همیشه که خوشست عشق‌بازی؛ جنگ نگارستان کتابخانه مرعشی، شماره ۱۰۵۴۹، کتابت شده برای ظل السلطان به قلم «افسر» مورخ ۱۲۸۵ هجری، برگ‌های ۲۲۹ الف تا ۲۳۳ ب و ۴۷۱ الف و ب (این منبع بسیار گران‌قدر، تا جایی که می‌دانم، مهم‌ترین مأخذ اشعار رضی است که، در آن، چهار قصیده از او همچنین غزلی با تخلص «رضی» به مطلع پرده بگشا تا ببینم روی تو / چشم بد دور از رخ نیکوی تو نقل شده است)؛ عرفات العاشقین، نسخه کتابخانه ملک، ص ۴۰۱-۴۰۲؛ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، فروغی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۴؛ خیام‌پور، فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۳۸۷، حتی مهم‌ترین منابع او هیچ نکته تازه‌ای بر اطلاعات ما نسبت به این فرد نمی‌افزاید (برای نمونه ← خیرالبیان هادی، نسخه موزه بریتانیا، نسخه عکسی دانشگاه تهران به شماره ۲۱۱۰، برگ ۱۴۵، که هشت بیت از همان قصیده مونس الاحرار، ج ۲، ص ۵۰۸-۵۰۶ را نقل کرده است)؛ نیز ← علیقلی واله داغستانی، تذکره ریاض الشعراء، به تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۱۹، که تکرار مطالب تاریخ گزیده است؛ و نیز صحف ابراهیم، نسخه کتابخانه توبینگن آلمان، نسخه عکسی به شماره ۲۹۷۵ دانشگاه تهران؛ صحیفه الزاء المهمله، برگ‌های ۱۶۲ و ۱۶۳، که فقط رباعی معروف او در خطاب به اباقاخان را آورده و اشاره‌ای نیز به ماجرای عشق او بر پسری کرده که به نظر من آن را از خلاصه الاشعار تقی‌الدین کاشانی گرفته (← گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۵۲۶، اما بدبختانه نسخه‌ای از این بخش در اختیار نداریم)؛

آنها اشاره شود. مونس الاحرار فی دقائق الاشعار جُنْگی است شعری در سی باب، تدوین محمد بن بدر جاجرمی شاعر قرن هشتم، که تاریخ پایان یافتن کتابت نسخه به خط مؤلف آن ۷۴۱ هجری است. از این مجموعه شعری بی نظیر، نسخه‌ای به خط خود محمد بن بدر جاجرمی در اختیار داریم که متأسفانه کامل نیست و افتادگی‌های اساسی در آن راه یافته است. نخستین بار هم که مرحوم قزوینی بدان دست یافت (به غیر از مینیاتورهای فراوان که قزوینی، در نوبت اول، آنها را در نسخه دیده بود اما، در نوبت دوم، همه آنها از نسخه جدا شده بود) این افتادگی‌ها در نسخه دیده می‌شد.

بعدها گورکیان، مالک نسخه، اوراقی خطی برای قزوینی فرستاد که گویا پیش‌تر در نسخه خط مؤلف مندرج بوده اما وی، به دلایلی، آن را جدا کرده بوده است.^۵ اهمیّت

→ سیّد محمود خیری، فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین، به کوشش نقی افشاری، انتشارات طه، قزوین ۱۳۷۰، ص ۹۸؛ سیّد محمدعلی گلریز، مینودر یا «باب الجَنّه» قزوین، انتشارات طه، قزوین ۱۳۸۲، ج ۲ (شرح‌حال و آثار رجال و دانشمندان قزوین)، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ ورجاوند، پرویز، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، نشر نی، تهران ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۱۵ و ج ۳، ص ۱۹۴۴-۱۹۴۵ (در این منبع، پس از نقل ابیاتی از رضی‌الدین، که در منابع در دسترس نقل شده، آمده است: «دیگر از اشعار رضی‌الدین بابا قصیده‌ای است شکوائیه که او در جواب ابوالعلائی گنجوی، استاد حکیم خاقانی شروانی، سروده و آن در یک مجموعه خطی متعلق به نگارنده ضبط است. ممدوح این قصیده ظاهراً خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی است» (ج ۳، ص ۱۹۴۵). از این قصیده، به این تصوّر که فقط در منبعی منحصر به فرد - مجموعه خطی شخصی - آمده، از نقل حتّی یک بیت خودداری شده و حال آنکه به‌تمامی در مونس الاحرار محمد بن بدر جاجرمی و عرفات العاشقین و منابع دیگر وجود دارد).

از کلام ابن فوطی در بخش‌های بازمانده کتاب تراجمش برمی‌آید که ذکر از این رضی‌الدین در پاره‌های گم‌شده اثر او آمده بوده است. او در ذکر «عمادالدین ابومحمد اسماعیل بن رضی‌الدین بابا بن نصره‌الدین محمد الافتخاری القزوینی الامیر» آورده است: «... قد ذکرنا اباه انه ولی الموصّل و دیار ربیعة...» (← ابن الفوطی، ج ۲، ص ۳۴-۳۵)

آنچه در جُنْگ روضة الناظر عبدالعزیز کاشی به نام «ابن رضی بابا» (در قسم مکاتبات، باب نهم، فیما یحتاج الیه بالعبادة، نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۷۶۶، فیلم دانشگاه تهران به شماره ۲۴۷، ص ۳۷۰) آمده باید از پسر رضی‌الدین بابا قزوینی باشد که بیش از پدر و حتّی دیگر افراد خاندان افتخاری قزوین به شاعری نامبردار بوده است. این قطعه را عزیز دولت‌آبادی در معرّفی جُنْگ نخجوانی (که بعدها دانسته شد همان روضة الناظر عبدالعزیز کاشانی است) به‌تمامی آورده است (← دولت‌آبادی، ص ۱۰۹). از این فرزند، دیوانی چاپ‌نشده باقی است. عرضه دانسته‌ها درباره او مجالی فراخ‌تر می‌طلبد.

(۵) براساس یادداشتی از قزوینی در آغاز دست‌نویس مونس الاحرار (میلکی خودش) که اینک به شماره ۱۴۴ ب در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، «شاید به مناسبت اینکه فی الواقع این قسمت به خط کاتب دیگری است غیر کاتب نسخه اصلی او و، به همین جهت، در نسخه اصلی مغایر بودن و

این اوراق کهن سال، بیش از همه، در آن است که فهرستی کامل از ابواب کتاب به همراه مصراع‌های نخست تمام قصاید و غزلیات و قطعات را به دست می‌دهد. کار میر صالح طبیبی در چاپ مونس الاحرار در بازیافتن برخی قصاید از جنگ‌ها و منابع پراکنده بر همین مبنی بود.

شعر رضی‌الدین بابا قزوینی در باب شانزدهم مونس الاحرار، «فی ذکر اشعار المرذف»، مندرج است. متأسفانه این شعر و تمامی اشعار باب شانزدهم از نسخه به خط مؤلف افتاده است.^۶ طبیبی هم، که در تصحیح مونس الاحرار به جز عکس نسخه خط مؤلف و فهرست ضمیمه آن (ملکی قزوینی)، به نسخه‌های دیگری از این جنگ شعری دسترسی داشت، آن را در نسخه فخرالدین نصیری (به علامت اختصاری «ن.ا») یافت و در متن کتاب وارد کرد. این قصیده در تذکره‌الشعراى محفوظ در کتابخانه ملک (به علامت اختصاری «ت»)

نیز به نام همان رضی‌الدین بابا قزوینی آمده است. (مونس الاحرار، ج ۲، ص ۷۶۱-۷۶۴)^۷

نسخه فخرالدین نصیری در ۱۰۲۱ هجری به خط عبدالعلی یزدی کتابت شده است و، پس از نسخه به خط مؤلف، کهن‌ترین نسخه مونس الاحرار به شمار می‌رود. (همان، مقدمه، صفحه سه و چهار)^۸

نکات مذکور، به‌خصوص وجود قصیده رضی‌الدین بابا قزوینی و ذکر نام شمس جاسبی، که فقط در نسخه مورخ ۱۰۲۱ هجری آمده و در نسخه به خط

از یک جنس نبودنش پر نمایان بوده و به نظر گورکبان وجود این اوراق از قدر و قیمت صوری تجاری نسخه اصلی کم می‌کرده».

۶) قزوینی، در پشت برگ ۳۰۰ نسخه عکسی خود که اکنون در کتابخانه مرکزی نگهداری می‌شود، هنگام برشمردن سقط دوم نسخه، نوشته: «قسمت افتاده ظاهراً معادل است با قریب هشت باب از ابواب سی‌گانه کتاب یعنی قسمتی از باب رابع عشر در تشبیهات و تمام ابواب خامس عشر اشعار مقفی و سادس عشر اشعار مرذف و سابع عشر ترجیعات و ثامن عشر مراثی و تاسع عشر تواریخ و عشرون اختیارات شاهنامه و حادی و عشرون [رساله] «اختلاج» و قسمتی از ثانی و عشرون مقطعات». نیز ← قزوینی ۱، ج ۲، ص ۱۹۳-۱۹۴.

۷) با آنکه طبیبی، در اشاره به نسخه ملک، هویت آن را مشخص نکرده است، نگارنده، در بررسی‌های خود، دریافته که مراد او نسخه شماره ۵۳۱۹ کتابخانه ملک است که در قرن دهم کتابت شده و جنگی بسیار مهم از اشعار قدما به شمار می‌آید. به جز دو منبع مذکور، این قصیده در جنگ نگارستان، محفوظ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی قم به شماره ۱۰۵۴۹، نیز آمده است. به گمان من، جنگ نگارستان، که در قرن سیزدهم کتابت شده، یا از روی جنگ ملک نوشته شده و یا با آن دارای مأخذ مشترک است.

۸) متأسفانه اکنون نمی‌دانیم این نسخه کجاست.

مؤلف وجود ندارد، حایز اهمیّت و در تعیین نام درست این شاعر نقش مؤثر دارد.^۹

ابیات تضمین شده از کیست: شمس الدّین جاسبی یا شمس طبسی؟

شعر رضی الدّین بابا قزوینی، هرچند در نسخه مونس الاحرار به خطّ محمد بن بدر جاجرمی نیامده، با توجّه به آنچه گفته شد، استناد آن به عنوان یکی از بخش‌های مونس الاحرار از هر نظر مطمئن است. نام شمس الدّین جاسبی نیز، به عنوان کسی که فردوسی را در خواب دیده و از او قطعه مورد بحث را شنیده، در شعر رضی الدّین بابا قزوینی آمده است:

سه بیت ^{۱۰} می‌کنم از شعر جاسبی تضمین	درین قصیده چو به زان سه بیت غزا نیست
به خواب دیدم یک شب روان فردوسی	که گفت شمس ترا این حدیث تنها نیست
برین نمط که تویی من بدم بر محمود	دو بیت گفتم بر خاطرت همانا نیست

(۹) این قصیده به مجدالدّین همگر، شاعر قرن هفتم، نیز منسوب است و در دیوان او راه یافته است (← دیوان مجد همگر، ص ۲۱۱-۲۱۴). پیش از انتشار دیوان او، نفیسی، در مقاله (رساله) ای درباره مجد همگر، از این قصیده یاد کرد و استطراداً به معرفی مختصر شمس جاسبی/ جاسبی نیز پرداخت (← نفیسی، ۲، ص ۱۱۱۹-۱۱۲۰). گویا نسخه‌ای که او از دیوان مجد در اختیار داشته همان نسخه ۶۰۴۱ دانشگاه تهران باشد که، پیش از این، در تملک خود او بوده است. (← دانش پژوه، ج ۶، ص ۱۶، ۱۸۴-۱۸۵)

احتمال انتساب این قصیده، هرچند در دیوان مجد همگر وارد شده، به رضی الدّین بابا قزوینی، به دلایل متعدّد، قوی‌تر است: یکی آنکه قصیده در مونس الاحرار محمد بن بدر جاجرمی (قرن هشتم) و جُنگ کتابخانه ملک (قرن دهم) و جُنگ نگارستان کتابخانه مرعشی (قرن سیزدهم) به نام رضی الدّین آمده است. دیگر آنکه، در خود قصیده نیز، قرائنی نسبتاً قوی در تأیید انتساب آن به رضی الدّین وجود دارد. سراینده شعر حواله کردن امور «آریل» را از ممدوح خواسته و می‌دانیم که رضی الدّین مدتی مدید والی موصل و آریل بوده. حتّی در نسخه مونس الاحرار بی‌بی دیده می‌شود که شاعر خود را «بابا» خوانده است: ثبات دوستی و شرط بندگی با تو/ ز خسروان جهان هیچ کس چو بابا نیست. دلیل دیگر به سبک قصیده‌پردازی رضی الدّین بابا برمی‌گردد و آن علاقه شدید او به تضمین ابیات دیگران است. این خصیصه نه تنها در این قصیده که در سه قصیده دیگر از او، که در جُنگ نگارستان به تمامی آمده، دیده می‌شود. در واقع، او قصایدش را به اقتفای سرایندهگان پیش از خود می‌سروده و ابیاتی از آنها را در شعرش درج می‌کرده است. به هر حال، نگارنده از این قصیده به عنوان سروده‌ای از رضی الدّین قزوینی یاد می‌کند. اما اگر هم شعر از مجدالدّین همگر باشد، در نتیجه‌ای که از این مقاله به دست می‌آید خللی وارد نمی‌شود چون رضی و مجد، هر دو، در قرن هفتم زیسته‌اند و نام شمس جاسبی/ جاسبی در قصیده‌ای از یکی از این دو برده شده است. (۱۰) چهار بیت تضمین شده است نه سه بیت.

خجسته حضرت محمود زاوولی دریاست / چگونه دریا کان را کرانه پیدا نیست
شدم به دریا، غوطه زدم، ندیدم در / گناه بخت منست آن گناه دریا نیست
(مونس الاحرار، ج ۲، ص ۷۶۴)

ریاحی درباره شمس الدین جاسبی / جاسبی آورده است: «از جاسبی (منسوب به جاسب دهات قم) ذکری در جایی نیافتم. از بیت سوم برمی آید که نامش شمس الدین بوده است. شاید هم به جای جاسبی، جاسبی صحیح باشد» (ریاحی ۲، ص ۲۶۰). از آنجا که شمس الدین جاسبی ناشناس تلقی شده، ریاحی به دنبال شاعر شناخته شده ای رفته و سرانجام در آثار الوزرای عقیلی (قرن نهم هجری) آن شعر را - شعری که چهار بیت آن را رضی الدین بابا تضمین کرده بود - به تمامی در هفت بیت یافته که به «استاد الشعراء شمس طبسی» نسبت داده شده است (آثار الوزراء، ص ۵-۶). ریاحی، در پایان، چنین نتیجه گرفته که «مضمون خواب دیدن فردوسی ظاهراً از شمس طبسی شاعر بسیار معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است نه از گوینده ناشناخته شمس جاسبی (یا جاسبی)». (ریاحی، ص ۲۶۱)

این نتیجه گیری به نظر من صحیح نیست؛ زیرا، اگر دلایل خود را بر پایه اسناد کهن تر استوار کنیم، حق این است که مونس الاحرار محمد بن بدر (نیمه نخست قرن هشتم) از آثار الوزراء (اثری از قرن نهم) اعتبار بیشتری دارد؛ یعنی حتی اگر شخصی به نام شمس جاسبی / جاسبی در تاریخ ادب فارسی برای ما ناشناس باشد - که نیست - حق این است که سند کهنه تر را پیش چشم نهیم و، در نتیجه گیری نهائی، حداقل آن را به عنوان احتمال قوی تر عرضه کنیم.

اما توضیحی درباره آثار الوزراء و نقل اشعار مورد بحث در این گفتار:

سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی، در آغاز کتابش، آنجا که از محرومیت های خود از درگاه وزیر ممدوحش، نظام الملک خوافی، یاد می کند، ابیات و توضیحاتی می آورد که مهم است:

و این معانی را ضمیمه سایر نامرادی ها دانسته خاطر حزین را به حکم «المستحق محروم» تسلی داده ابیات استاد الشعراء شمس طبسی را، که دو بیت آن خسرو تخت سخنوری فردوسی طوسی را تضمین نموده، منظور داشته، به مقتضای و ما أصابک من سبب فمین

نَفْسِک، آن صورت را از طالع شوریده خود می‌دانست و هی هذه الابیات:

به درگه شو روم آمدم ز جانبِ خویش	شنیده بودم کو را به جود همنا نیست
ندیدم از همه پیوستگانِ حضرتِ شاه	ورایِ من که ز شه کارشان مهیا نیست
بدین تفکر با عقلِ خویش می‌گفتم	که سیرِ انجم بر وفقِ رای دانا نیست
شبی به خوابِ بدیدم جمالِ فردوسی	بگفت شمس ترا این حدیثِ تنها نیست
بدین نمط که تویی من بُدم بر محمود	دو بیت گفتم بر خاطرت همانا نیست
خجسته درگه محمودِ زاوُلی دریاست ^{۱۱}	چگونه دریا کان را کرانه پیدا نیست
اگر ز درگه او خشک لب روم چه عجب	گناه بختِ منست این گناه دریا نیست

(آثار الوزراء، ص ۵-۶)

باید در نظر داشت که یگانه سندی که این ابیات را از آن شمس طبسی دانسته همین آثار الوزراء است. این احتمال به ذهن می‌رسد که عقیلی این ابیات را در جایی به نام شمس جاسبی/حاسبی دیده باشد، اما این نام در آن مصحّف شده بوده است. به عبارت دیگر، نام شمس جاسبی/حاسبی، که در ادب فارسی معروفیتی نداشته، به صورت شمس طبسی، که شاعر معروفی است، تحریف شده است.^{۱۲}

به هر حال، احتمال تحریف در این باره قوی است. علاوه بر آن، همین ابیات در جُنگ انیس الخلوّة و جلیس السلوّة از مسافربین ناصر ملطیوی، که در قرن هشتم یا اوایل نهم هجری تدوین شده و نسخه‌ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۱۶۷۰ محفوظ است^{۱۳}، به شاعری غیر از شمس طبسی به نام شمس الدّین خاسی (برگ ۱۹۸ الف و ب) منسوب شده است که، اگر هم، در آن، «خاسی» مصحّف «جاسبی/حاسبی» شمرده نشود، در رفع انتساب ابیات منقول از شمس طبسی نقش مؤثر دارد و نظر صاحب

(۱۱) در تصحیح محدّث ارموی: «خجسته درگه محمودِ زاوُلی اندکی دریاست» که «اندکی» زاید و غلط چاپی است.

(۱۲) نگارنده برای اطمینان از اینکه این تحریف، به دست کاتبان، در نسخه‌های خطّی آثار الوزراء روی داده یا برای خود مؤلف آثار الوزراء (عقیلی)، به هر پنج نسخه محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مراجعه کرد (میکروفیلم‌های شماره ۱۰۴۸، برگ ۸؛ ۱۰۵۲، برگ ۸؛ ۱۰۶۳؛ ۱۱۲۰، برگ ۷؛ و ۱۲۹۰، برگ ۹) که در همه آنها «شمس طبس/طبسی» ضبط شده بود. پس خود عقیلی سراینده را شمس طبسی می‌دانسته است. ضمناً تصحیح آثار الوزراء چاپ محدّث تنها بر اساس نسخه مجلس صورت گرفته و، از این نظر، اعتبارش محدود است.

(۱۳) همین‌جا از دوست عزیزم دکتر طورغای شفق تشکر می‌کنم که استفاده از مطالب این جُنگ را مرهون لطف او هستم.

آثار الوزراء در انتساب آنها به شمس طبسی را بیشتر مورد تردید قرار می‌دهد. به علاوه، در ابیات مزبور، سخن از رفتن شاعر به «حضرت شه روم» است، حال آنکه از سفر شمس طبسی به دیار روم اطلاعی در دست نیست. در اینجا، پاره‌ای از انیس الخلو، که در تعیین هویت سراینده ابیات حایز نهایت اهمیّت است، از باب هشتم جنگ، «در تضمینات»، نقل می‌شود:

فردوسی گوید:

حکیم گفت کسی را کی بختِ والا نیست
برو مجاورِ دریا نشین مگر روزی
خجسته حضرت محمود زاولی دریاست
شدم به دریا غوطه زدم ندیدم دُر
شمس الدین خاصی گوید:

به حضرت شه روم آمدم ز خطّه هند
رسیدم الحق و دیدم خجسته درگاهی
ندیدم از همه پیوستگان حضرت او
درین تفکر با بخت خویش می‌گفتم
شبی به خواب بدیدم جمال فردوسی
بدین صفا که تویی من بدم بر محمود
خجسته حضرت محمود زاولی دریاست
شدم به دریا غوطه زدم ندیدم دُر
لمخدومی و مولای الحقیقی، جلال الدین و الدنیا عتیقی:

ز دیده خواستم آبی مگر کی بنشانم
بسوی بگفتمش و جز جگر نداد مرا
به آبش آتش این خسته دل کی برجا نیست
گناه بخت منست این گناه دریا نیست
(برگ ۱۹۸ الف و ب، برگ ۱۹۹ الف) ۱۴

شمس جاسبی کیست؟

تا اینجا گفتیم که انتساب ابیات ما نحن فیه به شمس طبسی در محلّ شک است و احتمال

(۱۴) در نقل این ابیات، «گ» را سرکش دادم و «ج» را، که یک نقطه داشت، با سه نقطه نوشتم. همچنین، در مواردی، بر روی «ا» مد گذاشتم. در این سند، بیت دوم شمس الدین خاصی (جاسبی) نویافته است و در آثار الوزراء نیامده است. همچنین دو بیت جلال الدین عتیقی را در جای دیگری نیافته‌ام. درباره این جنگ ← آتش، ص ۶۱-۶۷؛ ریاحی ۱، ص ۱۳۸-۱۳۹.

قوی تر آن است که این ابیات از شاعری موسوم به شمس جاسبی / حاسبی باشد. اینکه شمس جاسبی / حاسبی شاعری ناشناخته است که ذکر آن از او در منابع معروف نیامده تأثیری در نتیجه گیری ما ندارد. مع الوصف، نام شمس جاسبی / حاسبی، به رغم معروف نبودن او، در برخی تذکرها و جنگ‌ها آمده است. نتیجه آنچه یافته‌ام به اختصار چنین است.

کهن ترین مأخذی که از شمس جاسبی شعری در آن آمده مونس الاحرار فی دقائق الاشعار اثر احمد بن محمد بن احمد بن محمد معروف به کلاتی اصفهانی است. این جنگ شعری، که در سی باب تدوین شده، از اقران خود کهن تر است و در ۷۰۲ هجری گردآوری شده است. در باب بیست و هشتم آن، «فی المقطعات»، قطعه‌ای هجده بیتی وجود دارد در هجو شخصی ناشناس که شاعر از دزدی او سخن می‌گوید.

نسخه موجود از مونس الاحرار کلاتی کتابت قرن سیزدهم یا چهاردهم هجری است و از نظر ضبطها چندان قابل اطمینان نیست. در این دست‌نویس، نام شاعر این قطعه، شمس جاسبی (بدون دندانۀ پس از سین) ضبط شده است.

در تذکره عرفات العاشقین او حدالدین بلیانی نیز مطالب و اشعاری از این شاعر آمده به این شرح:

عَرَفَه - شمس فلک جلال، عطار دیوان کمال، راقم دفاتر محاسبی، شمس الدین حاسبی^{۱۵}،
به غایت خوش طبیعت، فاضل، نکته‌سنج، بذله‌گوی، هزّال، عالی فطرت، نازک‌اداست و
از جمله دُرر عُرر مشهور مذکور اوست که در هجو یکی از معاصرین گفته:
در خدمت ای صدر فلک مرتبه دزدیست کو زهر به سحر از دهن مار بدزدد^{۱۶}
(عرفات العاشقین، نسخه بانکیپور، ۳۴۳ الف و ب؛ نسخه ملک، ص ۵۳۷-۵۳۸)

۱۵) در نسخه معتبر بانکیپور و نسخه کتابخانه ملک، «حاسبی» (با حاء حطّی) ضبط شده و، چون با «محاسبی» سجع ساخته، می‌توان اطمینان یافت که بلیانی این نام را همان حاسبی می‌دانسته.

۱۶) مونس الاحرار کلاتی اصفهانی، نسخه حبیب گنج علیگره، میکروفیلم شماره ۳۷۸۷ دانشگاه تهران، حدوداً برگ ۶۷۰. شمار ابیات این هجویه در منابع متفاوت است. مونس الاحرار کلاتی آن را در هجده بیت آورده و عرفات در نوزده بیت. در منابع دیگر نیز به نقل چند بیت اکتفا شده است. سعید نفیسی، در مقاله خود راجع به مجد همگر، کامل‌ترین صورت این شعر در بیست و یک بیت را از منبعی که نامش را نیاورده نقل کرده است (← نفیسی ۲، ص ۱۱۱۹-۱۱۲۰). در الذریعة، ذیل دیوان حاسبی، از شمس الدین حاسبی و اقتباس مجدالدین ←

چون صاحب عرفات اطلاعاتی تاریخی از شاعر به دست نداده، می‌توان حدس زد که مأخذ او مونس الاحرار کلاتی یا جنگی دیگر بوده باشد.

همچنین مؤلف تذکره خیر البیان چهار بیت از قطعه (هجویته) مزبور را، بدون هیچ توضیحی، ذیل نام شمس حاسبی آورده است. (خیر البیان، نسخه موزه بریتانیا، میکروفیلم ۱۲۹۳؛ عکسی ۲۱۱۰ دانشگاه تهران، برگ ۱۴۹)

آذر نیز در آتشکده می‌نویسد:

شمس‌الدین: اصلش از جاسب من توابع دارالمؤمنین مزبور [= قم]، فاضلی است نیک‌رای و خوش‌خوی و شاعری است نکته‌سنج و بذله‌گوی، در هجو یکی از معاصرین گفته... (آذر، چاپ سادات ناصری، ج ۳، ص ۱۲۵۸-۱۲۵۹؛ چاپ سید جعفر شهیدی، ص ۲۳۸)

به تصریح فرهنگ سخنوران (ذیل «شمس‌الدین حاسبی»)، در تذکره ندرت نیز مدخلی به نام او هست که متأسفانه بدان دسترسی ندارم، ولی گویا در آنجا نیز نام او حاسبی (با حاءِ حطّی) ضبط شده است. (خیام‌پور، ج ۱، ص ۲۳۹)

به جز موارد یادشده، در جنگ‌های شعری مثل جنگ ۵۳-د ادبیات و جنگی که در بخش بعدی معرفی خواهد شد، باز هم بخشی به او اختصاص داده شده است.^{۱۷}

با توجه به آنچه گفتیم، می‌توان نتیجه گرفت که شمس‌الدین حاسبی یا، به زعم من، جاسبی شاعری است از قرن هفتم یا حتی قدیم‌تر^{۱۸} که نامش، به تصحیف در نسخه‌ها

→ همگر از شعرا و - که به گمان من این شعر از رضی‌الدین بابا قزوینی است نه مجد همگر - و اینکه هجویه مورد گفتگو در ارمغان، سال ۱۵ و در نوشته نفیسی درباره مجد همگر منتشر شده سخن رفته است. (← آقابزرگ طهرانی، ص ۲۲۰)

از میان سفینه‌های شعری بررسی شده، هجویه شمس جاسبی تنها در جنگ ۵۳-د (ص ۸۸) محفوظ در کتابخانه دانشکده ادبیات تهران مندرج است که بیست و یک بیت دارد و این احتمال هست که نفیسی آن را از این منبع گرفته باشد. درباره این جنگ ارزشمند نیز ← دانش‌پژوه، ص ۱۷۴.

۱۷) در مونس الاحرار محمد بن بدر جاجرمی (ج ۲، ص ۸۸۸-۸۸۹)، قطعه‌ای پنج بیتی از شاعری به نام مرتضی معظم سید شمس‌الدین قمی آمده که در کمال اهمیت است. در اینکه آیا او همان شاعر مورد بحث ماست یا نه دلیل و قرینه‌ای وجود ندارد. یکی از محققان معاصر، که تک‌نگاشتی درباره شاعران قمی دارد، این دو را یکی گرفته و مستند او بیشتر آتشکده آذر است (← مجاهدی (پروانه)، ص ۱۸۶-۱۸۷). او، در این میان، شاعری متأخرتر (شمس‌الدین قمی) را هم با آن دو خلط کرده که ذکرش در بیان‌المحمود محمود میرزا قاجار آمده و بی‌شک از شاعران پس از زندیه است. در این باره ← گلچین معانی، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۴۹.

۱۸) براین اساس که نام او و چند بیت شعرش در قصیده رضی‌الدین بابا قزوینی (مقتول در ۶۷۶) آمده

به صورت‌های حاسی، جاسی، حاسبی و جاسبی درج شده است. هرچند نظر صاحب عرفات - که نام او را «حاسبی» دارای سجع با «محاسبی» دانسته - در قیاس با گفته آذر - که نخستین بار او را اهل روستای جاسب معرفی کرده - به عنوان منبع قدیم‌تر، اولویت دارد، اما مشکل اصلی نام این شاعر بیشتر بر سر حرفِ پس از «سین» است و گرنه، در مورد حرف نخست، کهن‌ترین منابع (مونس الاحرار کلاتی، قصیده رضی الدین بابا و انیس الخلوۃ ملطیوی) بر سر «ج» (حرف اول نام) اتفاق نظر دارند. فرض من بر این است که گویا در این مورد حق با صاحب آتشکده باشد که چه بسا، در انتساب شاعر به روستای جاسب، مأخذ معتبری در اختیار داشته است. با این همه، تا پیدا شدن سندی خدشه‌ناپذیر، هیچ اصراری درباره صورت مختار خود ندارم و «حاسبی» را هم صورتی محتمل می‌دانم.

احتمالی در مورد صورت صحیح نام شاعر

در پایان، فرضیه‌ای را درباره نام این شاعر مطرح می‌کنم که چندان دور از ذهن نیست و سندی نسبتاً قوی آن را تأیید می‌کند. فرضیه این است که هرگاه نام این شاعر شمس جاسبی (منسوب به جاسب قم) و خود او از شعرای قرن هفتم بوده باشد، نسبت درست او می‌باید جاستی باشد نه جاسبی به این دلیل تاریخی که آن ناحیه تا پیش از قرن دهم هجری جاست خوانده می‌شده و گویا پس از قرن دهم است که این نام به جاسب بدل شده است. (پپیوست)

از میان اسنادی که ذکر شمس جاسبی / جاستی در آنها آمده تنها یک مورد تاحدودی این مدعا را تأیید می‌کند و آن جنگ ۶۵۱ - سناست. این جنگ، که با توجه به خط و مرکب آن در قرن دوازدهم هجری کتابت شده، به احتمال قوی، از روی جنگ بسیار کهنه‌ای (شاید از قرن هشتم) استنساخ شده است؛ زیرا فقط از شاعران پیش از قرن

۱ است. او، به احتمال قوی، در قرن هفتم چندان مشهور بوده که شعرش را کسی تضمین کند و شاید کمی قدیم‌تر از روزگار رضی الدین بابا می‌زیسته است. ولی این قدمت گویا به عصر عوفی، صاحب لباب الالباب، نرسد چرا که نام او در کتاب عوفی نیست (البته اگر بتوان از بودن یا نبودن نام شاعری در کتاب عوفی، به عنوان مقدمه چنین استدلالی، استفاده کرد).

هشتم شعر آورده و حاوی اشعاری نیز هست که در منابع دیگر دیده نشده‌اند. از این رو، پیداست که نمی‌تواند گزینشی از بخش متقدمین یکی از تذکره‌های فارسی باشد. در این جنگ، همان قطعه هجویه مذکور در مونس الاحرار و عرفات و جز آنها با عنوان زیر آمده است: «شمس الدین خاستی گوید» (ص ۳۳۵). با توجه به اینکه، در نسخه‌های متقدم، کم‌نقطه‌نویسی رواج داشته، احتمال این هست که، در مأخذ کهن جنگ ۶۵۱-سنه، این نام به صورت «خاستی» ضبط شده بوده و کاتب خود نقطه‌ای روی «ح» گذارده و آن را به صورت «خاستی» نوشته باشد. حال آنکه گویا صورت درست «جاستی» بوده است. درخور ذکر است که نام این روستا، که بزرگان بسیاری از آن برخاسته‌اند، در اسناد مکتوب، کم‌نقطه و یا بی‌نقطه نوشته شده است. (← پیوست)

سخن آخر اینکه گویا این شمس طبری نبوده که شعر فردوسی را در قطعه‌ای از خود گنجانده و متعاقباً رضی‌الدین بابا قزوینی آن را از او گرفته (تضمین کرده) باشد بلکه شاعری موسوم به شمس (الدین) جاسبی (جاستی) یا شاید جاسبی ماجرای خواب دیدن فردوسی را موضوع قطعه شعری از خود قرار داده و دو بیت منسوب به فردوسی را در آن درج کرده است و این نکته‌ای است که بیشتر منابع آن را تأیید می‌کنند، به‌ویژه آنکه شمس مورد بحث تا آنجا که گمان می‌رفت ناشناس و گمنام نیست.

پیوست

درباره نام جاست

روستای جاسب پیش از قرن دهم هجری جاست نام داشته و این مطلبی است که علی‌اشرف صادقی، با عرضه اسناد قطعی، آن را اثبات و از نظر زبان‌شناسی نیز آن را توجیه کرده است (← صادقی ۲، ص ۲۴۷-۲۵۱). در ترجمه تاریخ قم، نسخه خطی پسر مترجم، که در اوایل قرن نهم هجری کتابت شده، این روستا مکرراً جاست خوانده شده است. جدا از اینها، در النقض و فهرست منتجب‌الدین رازی، نام چندین دانشمند منسوب به این روستا به صورت جاستی آمده است. از دیگر اسنادی که در پژوهش مزبور عرضه شده، دو نسخه کهنه قرن هفتم و هشتمی است که کاتبان آن خود اهل این روستا بوده‌اند و

نسبت نام خود را جاستی نوشته‌اند. درباره یکی از این نسخه‌ها، که منهاج البیان اثر ابن جزله بغدادی است، صادقی مقاله‌ای سودمند دارد (← صادقی ۱، ص ۳-۶۲). در حاشیه این نسخه کهنه از منهاج البیان، طبیبی جاستی، در سال‌های ۶۲۶ و ۶۲۷، فواید بسیار از منابع متعدّد افزوده که بخش‌های مفردات طبّی آن گنجینه‌ای است از واژه‌های محلی و حتی شماری واژه قمی، اصفهانی، جاستی و جز آنها. زریاب نیز به این نسخه توجه داشته و در تصحیح الصیدنه از آن سود برده است (← بیرونی، مقدمه، صفحات سی‌وشش-سی‌ونه). او رساله‌های دیگر این نسخه را نیز معرفی کرده است. همچنین از لحن او برداشت می‌شود که او فقط خط حواشی را از آن «حسن بن علی بن حسن الطیب [المُتَطَّب] الجاستی» می‌داند چون نسخه، در پایان، نام کاتب را ندارد ولی در حواشی نام او آمده است.

در مآخذ مزبور، این طبیب جاستی معرفی نشده، در حالی که سرگذشتی از او در کتاب ابن فوطی آمده است. در بخشی از بخش‌های بازمانده از کتاب او («کتاب الکاف»)، نام کامل این طبیب و تاریخ وفات او آمده و ادیب بودن و شناخته‌شده بودنش نزد خواجه نصیر طوسی (ابوجعفر) منعکس همچنین دو بیت عربی از او نقل شده است. در متن چاپی، نسبت او «جاشتی» ضبط شده که نادرست است. پاره‌ای از کتاب ابن فوطی درباره او به این شرح است:

کمال‌الدین ابو محمد الحسن بن علی بن الحسن الجاشتی [كذا] المتطبّب الأديب. سمعتُ
ذِكْرَهُ مِنْ لَفْظِ مَوْلَانَا السَّعِيدِ نَصِيرِ الدِّينِ ابِوجَعْفَرٍ وَ كَانَتْ يَنْتَبِئُ عَلِيَّ مَعْرِفَتِهِ، وَ نَاوَلَنِي الْأَمِيرُ
سَيْفُ الدِّينِ مِصَافٌ شَكَنَ مِجْمُوعَةً وَجَدْتُ فِيهَا مِنْ شَعْرِ هَذَا الْفَاضِلِ:
أَيَا نَسِيمَ الصَّبَا جَرَى الدِّيُولِ عَلِيَّ تَرِبَ الرِّضَا لَا عَلَيَّ الرِّيحَانِ وَ الْعُودِ
حُذِيَ تَجِيَّةً ذِي شَوْقٍ عَلَيَّ أَمَلٍ وَ نَاظِرٍ بَسَوَاصِي [الْخَيْرِ مَعْقُودِ]
[توفی] فی حدود سنة اربعین و ستمائة. (ابن الفوطی، ج ۴، ص ۱۳۹-۱۴۰)

جز اینها، نام عده‌ای از کاتبان نسخه‌های خطی که از این روستا برخاسته‌اند مؤید نظر ما خواهد بود که برخی برای نخستین بار به این صورت عرضه می‌شوند:

– ابوالقاسم علی بن محمد بن علی الجاستی، در ۵۷۹ هجری، نسخه‌ای از التّهایة شیخ طوسی را برای خود کتابت کرده و، در سال ۵۸۰ هجری، آن را نزد ابوالفضل محمد بن سعید بن هبة الله راوندی خوانده و از او اجازه روایت از شیخ طوسی

گرفته است. این نسخه زمانی در کتابخانه آقای محمّدامین خنجی نگهداری می‌شد. خود او برای نخستین بار چند مسئله فقهی به زبان فارسی را، که در جایی از نسخه به همان خط کهنه کتابت شده بود، جداگانه منتشر کرد (← خنجی، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۷). پس از آن، محمّدتقی دانش‌پژوه، با بررسی دقیق این نسخه یادداشتی تفصیلی درباره‌اش نوشته و، در آن، احتمال داده است که این ابوالقاسم علی جاستی همان فرد مذکور در فهراس شیعی و نیز مذکور در النقض باشد که گویا چنین است (← دانش‌پژوه ۲، ج ۴، ص ۱۰۳-۱۰۵). این نسخه بعدها به کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتقل شد که اکنون به شماره ۱۱۳۷۲ در آنجا محفوظ است. سیّد محمود مرعشی، پس از خریداری این نسخه، مطلبی درباره‌اش نگاشت و تصاویری از اوراق آن منتشر کرد (← مرعشی نجفی، ص ۴-۵ و نیز تصویر روی جلد). گفتنی است که، در اجازه آغاز نسخه، نسبت «الجاستی» بی‌نقطه است و در تمام نوشته‌های یادشده به شکل «الجاسبی» خوانده شده، حال آنکه، در انجامة نسخه، کاتب نام خود را «الجاستی» نوشته است. (← همان، تصویر روی جلد)

نسخه‌ای خطی از قرن ششم هجری در کتابخانه اصغر مهدوی نگهداری می‌شد که اثری است از خطیب تبریزی. دانش‌پژوه، در فهرست کتب خطی کتابخانه خصوصی مهدوی (دانش‌پژوه ۴، ج ۲، ص ۱۵۸)، آن را الشرح المختصر علی دیوان ابی تمام دانسته اما در فهرست میکروفیلم‌ها (همو ۳، ص ۳۴۲-۳۴۳) آن را شرح دیوان الحماسه لأبی تمام نامیده است. به هر حال، این نسخه در روز پنجشنبه اول رجب ۵۹۳ هجری، به دست الحسین بن الحسن بن الحسین بن ابی القاسم الزّری الحاستی کتابت شده که در فهراس بالا درباره ضبط این نسبت دقتی نشده است. چون نسخه در «بلده قم» استنساخ شده، شاید تردیدی نباشد که «الحاستی» همان صورت کم‌نقطه الجاستی باشد.

به خط کاتبی موسوم به علی بن شیرزاد بن ابی عبدالله الجاستی دو نسخه خطی عربی و فارسی می‌شناسیم که بسیار جالب‌اند: یکی نسخه‌ای از مقامات حریری است مورّخ ۶۳۴ هجری (← افشار ۲، ص ۵۷ و ۱۰۰)؛ دیگری نسخه‌ای از سندبادنامه ظهیری سمرقندی محفوظ در کتابخانه آماسیه به شماره ۷۵۰ که در سال ۶۵۰ کتابت شده است. (← ظهیری سمرقندی، صفحات چهل و چهار-چهل و پنج)

حسین بن حسن بن حسین جاستی واران‌ی کتابت نسخه‌ای از الايضاح در شرح مقامات

حریری را در جمعه چهارم ربیع‌الاول ۶۷۳ به پایان برده است. این نسخه نفیس در کتابخانه مرعشی به شماره ۴۰۹۵ نگهداری می‌شود (← حسینی، ج ۱۱، ص ۱۱۲ و دو صفحه عکس نسخه در انتهای فهرست). از این نسخه ارزشمند به واسطه نوشته حسین مدرسی طباطبائی آگاه شدم. او، در نوشته خود درباره مناظره‌ای به نظم عربی بین کاشان و قم که، در انتهای نسخه مزبور، به خط حسین جاستی واران آمده، به مناسبت جاسبی بودن کاتب، بحثی دقیق و سودمند در موضوع مورد بحث این مقال مطرح کرده است (← مدرسی طباطبائی، ص ۷۵-۸۴)؛ درباره دانشوران جاسب، از فهرست منتجب‌الدین به نام ریاض العلماء و نیز از الذریعه کسانی را نام برده است. همچنین سه مورد هم از نسخه‌های به خط اهالی جاسب شاهد آورده که همگی در نوشته حاضر مذکور است هر چند به یقین فضل تقدّم با اوست (تاریخ چاپ نخست مقاله آقای مدرسی طباطبائی ۱۳۶۰ است). آن سه نسخه به شرح زیرند: السّهایه کتابخانه مرعشی؛ الارشاد همان کتابخانه (که ذکر آن پس از این خواهد آمد)؛ و شرح دیوان حماسه. به نوشته استاد، هرازگان و زُر، که در نسبت کاتبان ارشاد و شرح دیوان حماسه دیده می‌شود، از دهات هفتگانه جاسب بوده‌اند و هستند. ایشان، هم در مورد کاتب الايضاح و هم درباره سه دست‌نویس دیگر، نسبت کاتب را جاسبی خواننده در حالی که، به جز الارشاد، در همه موارد صراحتاً جاستی ضبط شده و نگارنده، با رؤیت اصل یا عکس آنها، در این باره تردید ندارد.

– میکروفیلم مجموعه‌ای کم‌حجم (۱۱ برگه) اما قدیمی در دانشگاه تهران موجود است شامل النّبه امام سجّاد، نثر اللّثالی، الکلمات المائیه، قصیده فرزدق، و قصیده دعیل که در ۷۰۸ هجری به دست حسن بن محمد بن ابی‌الحسن اوی نوشته شده است. در صفحات ۱۵ تا ۱۸ این مجموعه شیعی، در آغاز قصیده میمیّه فرزدق، سلسله سند آن به روایت ابوالقاسم بن محمد بن ابی‌القاسم بن محمد الجاستی آمده است. نگارنده از عکس این نسخه، که در مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می‌شود، استفاده کرده است (← دانش‌پژوه ۳، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۸۲؛ حسینی اشکوری، ج ۱، ص ۲۵۴؛ طباطبائی، ص ۱۲۸۶)

– نام کاتب نسخه‌ای از کتاب نویافته تحلیه الارواح گویا از آثار قرن هشتم هجری یوسف بن الحسن الجاستی نام است. (← اوجیبی، ص ۷)

– همچنین کاتب نسخه الارشاد از شیخ مفید محفوظ در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی به شماره ۱۱۴۴، حسن بن محمد بن حسین الحاسی [بی نقطه] الهرازکانی است که در ۵۶۵ هجری آن را نوشته است. این نسبت را ایرج افشار «الجاسی» خوانده که باید درست باشد (← افشار، ۲، ص ۷۳). این مورد نقش تأییدی ندارد و فقط به دلیل کهنگی آن ذکر شده است.

در پایان، دو مورد از موارد مشکوک را می آورم که در راستای فرضیه مورد بحث نیست و برای آگاهی از نحوه ضبط آنها باید نسخه های خطی حاوی آنها را بررسی کرد: یکی وقفنامه کهنه ای است که خاص دارالسیاده کاشان بوده و در ۷۰۳ هجری تنظیم شده است. این وقفنامه را، که سند بسیار ارزشمندی است، ایرج افشار چاپ کرده است (← افشار، ۳، ص ۱۲۰-۱۳۸). یکی از کسانی که، در همان عصر تدوین وقفنامه، صحت آن را تأیید کرده است شخصی است به نام شمس الدین جاسبی، نایب خواجه شمس الدین حسین، که در تأیید نوشته است: «بشهادة العبد الاصغر حسن طهر (کذا) جاسبی [اصل: حاسبی] حرره بيمينه مستعیناً بالله وحده» (همان، ص ۱۳۲). درباره ضبط حاسبی، با توجه به قرآینی که درباره تلفظ نام این روستا در قرن هشتم داریم، گویا، در اینجا، همان حاسبی درست باشد و نه جاسبی.

مجموعه ای بسیار مهم به شماره ۵۵۵ در بنیاد خاورشناسی شهر دوشنبه (تاجیکستان) نگهداری می شود که در ۸۰۵ تا ۸۰۷ هجری کتابت شده و محققان ایرانی، تاچندی پیش، آن را کهن ترین مجموعه شماری از غزلیات حافظ می دانستند. فهرست تفصیلی آن را نخست دانش پژوه عرضه کرد (← دانش پژوه، ۱، ج ۹، ص ۱۰-۱۴). پس از او، ایرج افشار تصویر نسخه را نزد محمدجعفر محجوب در امریکا دید که، در تصحیح کلیات عبید زاکانی از آن استفاده و فهرستی مفصل تر و دقیق تر از آن تهیه و منتشر کرده است (← افشار، ۱، ص ۱۳۴۵-۱۳۷۲). در بخشی از این نسخه که، در آن، چند ماده تاریخ سلسله وار نقل شده است، ذکری از یک شاعر جاسبی دیده می شود که در فهرست دانش پژوه (۱، ج ۹، ص ۱۳) نام او «جاسی» و در فهرست افشار «جاسبی» ضبط شده است. در اینکه این شخص البتّه شمس الدین جاسبی مورد نظر ما نیست گویا

تردیدی نباشد چون او از اعلام قرن هفتم هجری است و شاعر مذکور در جنگ شماره ۵۵۵ صاحب ماده تاریخی است که در آن به سال ۷۸۷ هجری اشاره شده است. اما آنچه از او در جنگ ۵۵۵ آمده چنین است (بر اساس فهرست افشار):

من نتایج الافکار [کذا] المولی‌ الصاحب الاعظم الاعلم شمس المله و الدین الجاسبی ... فی تاریخ قبه الاسلام تبریز:

ماه ذی الحجّه از قضای که نیست هیچ‌کس را ازو به حیلہ گریز
از ملاحین عساکر دغدغ جمله بی‌رحم و کافر و خونریز
نهب و غارات و قتل و آسّر درو بود تاریخ نازنین تبریز [= ۷۸۷]

اما درباره ضبط جاسبی در این مورد، باید منتظر بود تا اصل نسخه - که متأسفانه بدان دسترسی نیست - دیده شود.

این احتمال را می‌توان مطرح کرد که او همان کسی باشد که زین الدین بن حمدالله مستوفی، در ذیل تاریخ گزیده پدرش، در ابتدای کتاب از او یاد می‌کند (← زین الدین، ص ۲۵). به نوشته افشار، دندانۀ پس از سین در نام او، در عکس کم‌رنگ کتابخانه باکو (چاپ فاکسیمیله) بی‌نقطه دیده می‌شود و ایشان حدس زده که شاید طبق نظر علی‌اشرف صادقی «جاستی» درست باشد.

منابع

- آتش، احمد، آثار فارسی در آناتولی از قرن ششم تا هشتم هجری قمری، ترجمه صائمه اینال صاوی، ستاد بزرگ ارتشداران (نشریه شماره ۱۲)، تهران [بی‌تا]، ص ۶۱-۶۷.
- آثار الوزراء، سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی، به تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، اطلاعات، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۴.
- آذر، لطفعلی بیگ بن آقاخان بیگدلی شاملو، آتشکده، به تصحیح حسن سادات ناصری، ج ۳ (سرایندگان قم)، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۸؛ همان، با مقدمه و فهرست و تعلیقات سید جعفر شهیدی، مؤسسه نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷.
- آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه (القسم الاوّل من الجزء التاسع)، چاپخانه مجلس، تهران ۱۳۳۲-۱۳۳۳ (افست اسماعیلیان، قم).
- ابن الفوطی الشیبانی، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد، مجمع الآداب فی معجم الالقب، تحقیق محمدالکاظم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۴.

- افشار، ایرج (۱)، «مجموعه ۵۵۵ دوشنبه»، المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویة الاولی، المجلد الثالث (بخش فارسی)، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۳۴۵-۱۳۷۲.
- افشار، ایرج (۲)، «مقام انجامه در نسخه»، نامه بهارستان، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۹-۱۰۰.
- (۳)، «وقفنامه سه دیه در کاشان»، فرهنگ ایران زمین، گردآورندگان: محمدتقی دانش پژوه، منوچهر ستوده، مصطفی مقرب، عباس زریاب خویی، ایرج افشار، تهران ۱۳۳۵، ج ۴، ص ۱۲۲-۱۳۸.
- اقبال، عباس، «تردید [در] یکی از حکایات و یک قطعه شعر منسوب به فردوسی»، مهر، سال ۲ (۱۳۱۳)، شماره ۵، ص ۴۸۰.
- انوار، سید عبدالله، «فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه مآلی»، نسخه‌های خطی، ج ۲، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۱، ص ۲۶۹-۲۸۱.
- اوجبی، علی، «تحلیله الارواح از مؤلفی ناشناخته»، آینه میراث، ش ۲۴، بهار ۱۳۸۳، ص ۶۷-۷۲.
- بیرونی، ابوریحان، کتاب الضیئنه فی الطب، به تصحیح عباس زریاب، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۰.
- حسینی اشکوری، سید جعفر و سید صادق، فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، انتشارات مرکز احیاء میراث اسلامی، قم ۱۳۷۷.
- حسینی، سید احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱۱، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، قم ۱۳۶۵.
- خنجی، محمد امین، «چند مسئله از فقه به زبان فارسی»، فرهنگ ایران زمین، تهران ۱۳۳۴، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۷.
- خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد، مجمل فصیحی، ج ۲، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، کتابفروشی باستان، مشهد ۱۳۴۰.
- خیام پور، ع، فرهنگ سخنوران، ۲ جلد، طلایه، تهران ۱۳۶۸ (ج ۱) و ۱۳۷۲ (ج ۲).
- خیرالبیان، ملک شاه حسین سیستانی (متخلص به «هادی»)، نسخه موزه بریتانیا، میکروفیلم به شماره ۱۲۹۳؛ نسخه عکسی به شماره ۲۱۱۰ دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱)، «بنیاد خاورشناسی شهر دوشنبه»، نسخه‌های خطی، ج ۹، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۸، ص ۱-۴۷.
- (۲)، «شیخ طوسی و کتاب نهایی»، فرهنگ ایران زمین، تهران ۱۳۳۵، ج ۴، ص ۷۴-۱۲۲.
- (۳)، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۸.
- (۴)، «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه خصوصی دکتر اصغر مهدوی»، نسخه‌های خطی، ج ۲، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۱، ص ۵۹-۱۸۱.
- (۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات (ضمیمه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران)، سال ۸، ش ۱ (شماره مخصوص)، مهرماه ۱۳۳۹.
- (۶)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۶، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۷.
- دولت آبادی، عزیز، «آشنایی با جنگ نخبوانی، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی تبریز»، نشریه

- کتابخانه ملی تبریز، دوره جدید، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳.
- دیوان قمر اصفهانی، به اهتمام تقی بینش، باران، مشهد ۱۳۶۳.
- دیوان مجد همگر، به تصحیح و تحقیق احمد کریمی، انتشارات ما، تهران ۱۳۷۵.
- ریاحی، محمدامین (۱)، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، پاژنگ، تهران ۱۳۶۹.
- (۲)، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۲.
- زین‌الدین بن حمدالله مستوفی قزوینی، ذیل تاریخ گزیده، به کوشش ایرج افشار، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۷۲.
- صادقی، علی اشرف (۱)، «قطعه‌هایی بازیافته از کتاب الموازنة حمزة اصفهانی»، نامه ایران باستان، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۳-۶۲.
- (۲)، مسائل تاریخی زبان فارسی، سخن، تهران ۱۳۸۰.
- طباطبائی، سید عبدالعزیز، «تدوین سخنان حکیمانه امیر مؤمنان ع»، المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویة الاولی، المجلد الثالث (بخش فارسی)، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۳۹-۱۲۹۵.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی، سندبادنامه، به تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، میراث مکتوب، تهران ۱۳۸۱.
- عرفات العاشقین، اوحدالدین بلیانی، نسخه شماره ۵۳۲۴ کتابخانه ملی ملک؛ نسخه شماره ۲۲۹ بانکپور.
- قزوینی، محمد (۱)، بیست مقاله قزوینی، به کوشش عباس اقبال و ابراهیم پورداود، دنیای کتاب، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳.
- (۲)، مقالات قزوینی، به کوشش ع. جریزه‌دار، اساطیر، تهران ۱۳۶۳.
- گسچین معانی، احمد، تاریخ تذکرة‌های فارسی، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۷ (ج ۱)، ۱۳۵۰ (ج ۲).
- مجاهدی (پروانه)، محمد علی، تذکرة سخنوران قم، هجرت، قم ۱۳۷۰.
- مدرسی طباطبائی، حسین، قمیات (مجموعه مقالات درباره قم)، مؤسسه انتشاراتی زاگرس، نیوجرسی ۲۰۰۷م/۱۳۸۶ش.
- مرعشی نجفی، سید محمود، «چهار کتابخانه نفیس شخصی»، میراث شهاب، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۷۹، ص ۳-۲۱.
- مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، محمد بن بدر جاجرمی، به اهتمام میرصالح طبیبی، با مقدمه محمد قزوینی، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۳۷ (ج ۱)، ۱۳۵۰ (ج ۲).
- مونس الاحرار، کلاتی اصفهانی، نسخه حبیب گنج علیگره، شماره ۳۷۸۷ دانشگاه تهران.
- نفیسی، سعید (۱)، در پیرامون تاریخ بیهقی، کتابفروشی فروغی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۲.
- (۲)، «مجدالدین همگر (۲)»، مهر، سال ۲ (۱۳۱۴)، شماره ۱۱، ص ۱۱۱۷-۱۱۲۳.

